

کابوس صفحه ۲

سینما فلسطین صفحه ۶

ورق پاره صفحه ۸



نشریه مستقل دانشجویی زیتون
شماره ۴

دومینوی فلسطین

فلسطین به مانند سرآغاز دومینویی
است که سقوط آن، حذف مسلمانان
و جریان‌های اسلامی را در سراسر
دنیا به سرعت رقم خواهد زد.

صفحه ۴



کابوس

طوبی بوعلی

بر اساس یک داستان
صددرصد واقعی

هر شب کابوس می‌بینم. کابوسی که انگار قبلا اتفاق افتاده باشد. ولی هر چه فکر می‌کنم چیزی به خاطر نمی‌آورم. صبح‌ها نفس نفس زنان از خواب می‌پریم و اطرافم چند پرستار می‌بینم که دست و پایم را گرفته‌اند تا بلایی بر سر خودم نیاورم و آمپول‌های‌شان را نثارم می‌کنند بلکه آن کابوس لعنتی را فراموش کنم. هر صبح می‌بینم که از ترس خودم را خیس کرده‌ام و از خجالت آب می‌شوم و غرغره‌های پرستاران هم تمامی ندارد. این‌جا همه از دکتر و پرستار تا خدمه بیمارستان هم مثل بیماران اعصاب ندارند. بالاخره سر و کله زدن با بیماران اعصاب و روان هم تبعات خودش را دارد. حتی شنیده‌ام چند سال پیش آن‌قدر وضع بیماران وخیم بود که به چند پرستار حمله کرده‌اند و آن‌ها را کشته‌اند. از

آن زمان به بعد انگار دوز داروها را بیشتر کرده‌اند. البته من خیلی یادم نیست. هیچ کسی چیزی یادش

نمی‌آید. شاید به خاطر عوارض دارو باشد. شاید هم خاصیت داروهاست. ولی من هر چه به خاطرم بیاید یا بشنوم را در دفترم یادداشت می‌کنم و هرگاه در اتاق تنها شوم نوشته‌هایم را می‌خوانم که از یادم نروند. یک شب که تلاش می‌کردم خوابم نبرد تا بلکه شبی بدون کابوس داشته باشم متوجه شدم فقط من نیستم که این کابوس را می‌بینم. از تمام اتاق‌ها صدای داد و فریاد می‌آمد. همه کمک می‌خواستند. صدای دویدن پرستارها که آمد، به تخته برگشتم و خودم را به خواب زدم که مبادا درد سر شود. قبل از این‌که بخوابم هر چه دیده بودم را یادداشت کردم و زیر بالشم پنهان کردم. چون تضمینی نبود که

می‌گفت از غرب آسیا به آمریکا آمده بود. با کلی دنگ و فنگ و بدبختی و از این کشور به آن کشور رفتن و پرواز عوض کردن بالاخره خود را به آمریکا رسانده بود.

آخر سال‌هاست فقط چند کشور به آمریکا پرواز دارند، چون همه‌ی کشورها آن را تحریم کرده‌اند.

فردایش یادم بماند.

به گمانم این‌جا بیمارستان نیست. آخر در کدام بیمارستانی پرستارها اسلحه دارند. استفاده از

اینترنت و موبایل حتی برای کارکنان هم ممنوع است. حتی تلویزیون و رادیو هم وجود ندارد. ناسلامتی در قرن ۲۲ زندگی می‌کنیم. من فکر می‌کنم اینجا ظاهرش بیمارستان و در باطن زندان باشد. خدای من! آخر به کدام گناهی ما را زندانی کرده‌اند و آن هم به این وضع فجیع. ملاقات‌کننده هم اصلا راه نمی‌دهند. البته بعد از آن اتفاق. البته قبلش هم کسی نمی‌آمد. شاید ماهی یک یا دو نفر. ولی پس از آن اتفاق دیگر کسی را راه ندادند. همیشه موبایل و وسایل الکترونیکی را قبل از ورود از همه می‌گیرند. ولی نمی‌دانم از آن ملاقاتی چرا نگرفته بودند. احتمالا با رشوه راضی شده بودند که موبایلش را با خود به بیمارستان بیاورد. او ملاقاتی اتاق کناری من در بیمارستان بود. به خاطر همین فقط من می‌دانم که چه اتفاقی افتاد که بیمار پس از آن ملاقات خودکشی کرد. گوشم را تیز کرده بودم که چه می‌گویند.

می‌گفت از غرب آسیا به آمریکا آمده بود. با کلی دنگ و فنگ و بدبختی و از این کشور به آن کشور رفتن و پرواز عوض کردن بالاخره خود را به آمریکا رسانده بود و او را پیدا کرده بود. آخر سال‌هاست فقط چند کشور به آمریکا پرواز دارند چون همه‌ی کشورها آن را تحریم کرده‌اند.

ملاقاتی گفت برای انتقام آمده است. بیمار اتاق کناری می‌گفت انگار می‌شناسدش ولی هر چه فکر کرد او را به خاطر نیاورده بود. ملاقاتی به او گفت تو قاتل خانواده‌ام هستی، اما او باور نکرده بود. ملاقاتی موبایلش را به او نشان داد تا عکس‌های جنایتی را که انجام داده، ببیند. او بهت زده عکس‌ها را نگاه کرده بود. ملاقاتی فیلمی را نشان داد که صدایش را شنیدم. به گمانم برایم آشنا بود. حتما برای بیمار اتاق کناری هم آشنا بود، چون ناگهان شروع به داد و فریاد و قیل و قال کرد. می‌گفت این همان کابوس شوم است. ناگهان پرستارها سر می‌رسند و ملاقاتی را با خود می‌برند و من دیگر نفهمیدم چه بر سرش آمد ولی حال بیمار اتاق کناری آنقدر بد شد که داروهای قبلی دیگر افاقه نکرد. تا شب داد و فریادش آسایش را از همه گرفته بود و تا چشم پرستار محافظش را دور دیده بود با تکه شیشه‌ای که برای روز مبادا پنهان کرده بود، رگش را برید و خودش را راحت کرد. پس از آن اتفاق بود که فهمیدم کابوس‌هایمان حقیقت داشته‌اند.

دیگر هیچ کس را به بیمارستان راه ندادند. حتی هیچ بیمار جدیدی هم به ما اضافه نمی‌شد. کم هم نمی‌شد، مگر به خودکشی که بسیار

هر شب در خواب می‌بینم که کنار دریا ایستاده‌ام. همه جای ساحل از لباس نظامی پوشیده شده است. همه برای نجات جانشان خود را به دریا انداخته‌اند. من شنا بلد نیستم. یعنی نمی‌دانم بلدم یا نه. ولی فریاد می‌زنم که شنا بلد نیستم. هیچ‌وقت کلاس‌های شنا

رواج داشت. چند نفری هم فرار کرده بودند که هیچ گاه برنگشتند. یکی‌شان البته برگشت ولی خون‌آلود و زخمی بود. مدام فریاد می‌زد که داشتند مرا می‌کشتند. می‌گفت همه به خونمان تشنه‌اند. فریاد می‌زد و می‌گفت چرا حقیقت را سال‌ها از ما پنهان کرده‌اید. چرا آن بیرون همه به خونمان تشنه‌اند. چرا تصاویرمان دست به دست می‌چرخد و همه ما را می‌شناسند و به محض دیدن‌مان انگار که برای سرمان جایزه گذاشته باشند، در کشتن‌مان از هم سبقت می‌گیرند. او را در یک اتاق قرنطینه کردند و اجازه ندادند هیچکس را ببیند. او هم تاب نیاورد و همان شب همان‌جا خودکشی کرد.

باورم نمی‌شود. یعنی ما جنایتکاریم. یعنی ما قاتلیم. یعنی تا آخر عمر برای زنده ماندن باید در این زندان بمانیم. آن هم زنده ماندنی که از مرگ هم دردناک‌تر است. کاش لااقل آن کابوس لعنتی نبود. هر شب در خواب می‌بینم که کنار دریا ایستاده‌ام. همه جای ساحل از لباس نظامی پوشیده شده است. همه برای نجات جانشان خود را به دریا انداخته‌اند. من شنا بلد نیستم. یعنی نمی‌دانم بلدم یا نه. ولی فریاد می‌زنم که شنا بلد نیستم. هیچ‌وقت کلاس‌های شنا

را شرکت نمی‌کردم. ولی هیچ کس به حرفم گوش نمی‌دهد. همه به سمت دریا می‌دوند و خود را به دریا می‌اندازند. من هم ناچار لباس‌هایم را درمی‌آورم که اگر نجات پیدا کردم، کسی نفهمد نظامی بوده‌ام. من هم به دنبالشان به سمت دریا می‌دوم. دریا عمیق می‌شود و من دست و پا می‌زنم. دارم غرق می‌شوم. آب دریا دارد خفه‌ام می‌کند و فریاد می‌زنم و کمک می‌خواهم. همیشه در این لحظه نفس نفس زنان از خواب می‌پریم. خوابی که دیگر می‌دانم حقیقت داشته است. ولی اینکه چگونه نجاتم دادند سوالی است که جوابش را نمی‌دانم.

نشریه زیتون

۴

عدم موفقیت این رژیم جعلی در مورد فلسطین، مصونیت تمامی مسلمانان سایر کشورها را نیز به دنبال دارد. فلسطین به مانند سرآغاز دومینویی است که سقوط آن، حذف مسلمانان و جریان‌های اسلامی را در سراسر دنیا به سرعت رقم خواهد زد. به همین دلیل است که حفظ دومینوی فلسطین، به معنی حفظ جهان اسلام است و باید مسئله اول جهان اسلام به شمار برود.

از ابتدای ابتلای سرزمین اسلامی فلسطین به ویروس منحوس رژیم صهیونیستی، سال‌ها می‌گذرد و روش‌های متفاوت و متعددی برای از پای در آوردن قبله‌ی اول مسلمانان به کار رفته است. از میان این روش‌ها هر کدام که از نگاه رژیم صهیونیستی، موثرتر بوده، برای سایر هم‌دستان این رژیم نیز تجویز شده است. که در ادامه به تعدادی از این روش‌ها اشاره خواهیم کرد.

جعل تاریخ، یکی از روش‌های رژیم صهیونیستی برای بهانه‌سازی و آغاز فشار بر مردم فلسطین بوده است. این رژیم جعلی با تحریف تاریخ، مبنی بر سابقه‌ی سکونت آن‌ها پیش از فلسطینیان بر بلندی‌های جولان و داستان‌سرایی حول هلوکاست، حق بازپس‌گیری این مناطق را با هر وسیله‌ای برای خود مجاز می‌داند. این روش در میانمار، به سرکردگی آن سانگ سوچی، به اجرا درآمد. آن‌ها سابقه‌ی حضور مسلمانان در میانمار را، که به قرن اول هجری در ایالت آراکان بازمی‌گردد، انکار می‌کنند و زمان و مبدا ورود آن‌ها را به دوره‌ی حکومت بریتانیا به میانمار و از بنگلادش نسبت می‌دهند. که این ادعا را بهانه‌ای برای جواز تعرض به مسلمانان روهینگیا می‌دانند.

تخریب منازل و شهرک سازی، روش دیگر رژیم صهیونیستی در تحت فشار قرار دادن مسلمانان فلسطینی است. این رژیم منحوس، ساکنان به حق سرزمین فلسطین و بلندی‌های جولان را با حربه‌ی زور از خانه‌هایشان بیرون کرده و خانه‌هایشان را تخریب می‌کند، و برای تثبیت خود با سرعت زیادی در سرزمین اشغالی مشغول به شهرک‌سازی است. این نسخه نیز برای مسلمانان میانمار و عربستان سعودی پیچیده شده است. دولت میانمار با تخریب و سوزاندن خانه‌های مسلمانان و عربستان سعودی با آوار کردن منازل بر سر مسلمانان و شهرک سازی در مناطق عوامیه و قطیف در این مسیر پیشگام هستند.

گرفتن هویت و استقلال، بزرگترین و شاید قدیمی‌ترین سیاست رژیم صهیونیستی در مقابل مسلمانان فلسطین است و شاید به خاطر همین سابقه‌ی طولانی آن است که در چندین کشور علیه مسلمانان در حال اجراست. این در حالی است که خود رژیم صهیونیستی هویت مشخصی ندارد و اکثر ساکنان آن، نتیجه واردات سالیانه ۳۰٬۰۰۰ یهودی از سراسر دنیا به سرزمین‌های اشغالی هستند. این رژیم جعلی تمام توان خود را در گرفتن هویت از فلسطینیان به کار برده، به طوری که بزرگترین جمعیت بدون هویت را، طبق گزارش سازمان ملل، مسلمانان فلسطین تشکیل می‌دهند. این قضیه تا حدی است که رژیم صهیونیستی حتی از تشکیل کشور و دولت فلسطین ممانعت به عمل آورده و حتی با پیوستن فلسطین به یونیسف و سازمان ملل هم به شدت مخالفت کرده و می‌کند.

پس از مسلمانان فلسطین، مسلمانان روهینگیا دومین جمعیت بزرگ بدون

هویت در دنیا را شکل داده‌اند. دولت میانمار نیز همانند این رژیم جعلی مانع از هویت‌بخشی به مسلمانان این کشور شده است.

پس از آن‌ها، مسلمانان هندی نیز با این موضوع دست و پنجه نرم می‌کنند. در کشور هند قریب به بیست میلیون مهاجر مسلمان وجود دارد که

از هر گونه مدرک شناسایی و هویتی محروم هستند. با این حال، سال گذشته دولت هند، به سرکردگی نارندرا مودی، لایحه جدیدی را تحت عنوان حقوق شهروندی ارائه کرده است که شرایط را برای پذیرش مهاجران مسلمان هندی سخت‌تر کرده و در عوض همه چیز را برای تابعیت غیرمسلمانان غیرهندی فراهم می‌کند. که گفته می‌شود این لایحه به هدف کاهش نسبی جمعیت مسلمان هند تدوین شده است. نخست وزیر این کشور حتی در موقعیتی قریب به دو

میلیون نفر از شهروندان مسلمان ایالت آسام را به سلب تابعیت تهدید کرده است. دولت مودی با ایجاد تنش میان مردم بودایی و مسلمانان، زمینه حمله و تعرض بوداییان به مسلمان را فراهم کرده و حتی در این راه از آنان دفاع می‌کند.

این نگرش دولت مودی فقط شامل مسلمانان خود هند نمی‌شود و استقلال مسلمانان کشمیر را نیز تحت شعاع قرار داده است. دولت مودی ماده‌ی ۳۷۰ قانون اساسی این کشور را که به موجب آن خودمختاری منطقه مسلمان‌نشین جامو کشمیر را به رسمیت می‌شناخت، لغو کرد و مسلمانان کشمیری معترض را سرکوب و

۵

نشریه زیتون

تا ماه‌ها محاصره کرد.

این روش حتی به صورت موردی هم در حال پیاده سازی است. برای مثال دولت بحرین تابعیت شیخ عیسی قاسم را لغو کرد و سعی بر آن دارد که جنبش مسلمانان این کشور را از هویت بحرینی خود دور سازد، تا در آینده راحت‌تر بتواند با آنان مقابله کند.

فلسطین به مانند سرآغاز دومینویی است که سقوط آن، حذف مسلمانان و جریان‌های اسلامی را در سراسر دنیا به سرعت رقم خواهد زد. به همین دلیل است که حفظ دومینوی فلسطین، به معنی حفظ جهان اسلام است و باید مسئله اول جهان اسلام به شمار برود.

اسارت، شکنجه و کشتار، از روش‌های مرسوم رژیم صهیونیستی است که توسط سرویس اطلاعاتی موساد به نهادهای امنیتی بسیاری از کشورها توصیه شده است و در این کشورها در حال اجراست. کشتار مسلمانان نیجریایی و اسارت رهبر آن‌ها، شیخ ابراهیم زکراکی، زندانی کردن مسلمانان بحرینی، اسارت رهبر مسلمانان آذربایجان، قتل عام مسلمانان روهینگیا، کشتار مسلمانان هند، کشتار و اسارت طولانی مدت مسلمانان کشمیر، کشتار و سرکوب مسلمانان چین، اعدام مسلمانان در سرزمین حجاز فقط گوشه‌ای از این نسخه‌ی رژیم صهیونیستی درمقابله با

مسلمانان است.

فتنه‌ی معامله قرن، روش نوین رژیم صهیونیستی است که در مرحله آزمایش قرار گرفته است. تقلیل تقابل سیاسی و گفتمانی به مسئله‌ی اقتصادی و تلاش برای همراه کردن قشر آسیب‌پذیر مسلمانان، فتنه‌ی جدید این رژیم جعلی برای شکستن مقاومت مسلمانان فلسطین است. این راه با تمام تلاش همراهان رژیم صهیونیستی، از جمله آمریکا و عربستان سعودی، با همبستگی نسبی برخی از کشورهای اسلامی، در آغاز با شکست مواجه شد. اما هنوز خطر این نقشه‌ی پلید احساس می‌شود و احتمال دارد در آینده این روش برای سایر جمعیت‌های مسلمانان نیز به کار رود.

امروز، روز قدس است و گرامیداشت آن بر همه‌ی مسلمانان واجب. هم از آن جهت که ظلمی که به فلسطین می‌شود، در تمام

دنیا بی‌سابقه است و کسی که صدای مظلومی را بشنود و کاری نکند، مسلمان نیست و حمایت کشورهای اسلامی، ایمنی فلسطین از ویروس منحوس رژیم صهیونیستی را رقم خواهد زد. هم از آن جهت که تنها راه جلوگیری از فروریختن دومینوی فلسطین و پس از آن دیگر کشورهای مسلمان جز از این طریق محیا نمی‌شود. اگر فلسطین شکست بخورد، کشورهای مسلمان دیگر در خطر جدی قرار می‌گیرند و این ویروس منحوس همه‌گیر می‌شود، و اگر پروژه‌ی فلسطین شکست بخورد، مسلمانان و کشورهای مسلمان مصون خواهند شد.

سینما فلسطین!

سیدمحمدعلی قربانی

در ماه مبارک رمضان امسال سریالی پخش شد که داد رژیم صهیونیستی را درآورد و حتی نخست وزیر این رژیم منحوس را نیز مجبور به واکنش کرد. این سریال «النهایه» نام دارد، ساخت کشور مصر است و قصه‌ای را صد سال بعد، یعنی در سال ۲۱۲۰ روایت می‌کند. ماجرای این سریال از آنجا آغاز می‌شود که در قسمت اول این سریال معلمی از نبرد فتح قدس، نابودی کامل رژیم صهیونیستی و فرار کردن یهودیان به کشورهای دیگر، برای دانش‌آموزان خود می‌گوید. اما این سکه روی دیگری هم دارد.

همزمان با پخش النهایه، سریالی به نام «ام هارون» در شبکه «ام بی سی عربی» متعلق به عربستان سعودی پخش می‌شود که رویکردی مقابل این سریال دارد. ام هارون

برخلاف النهایه که آینده را روایت می‌کند، از گذشته سخن می‌گوید. این سریال هم برخی از مقامات رژیم صهیونیستی، از جمله وزیر جنگ این رژیم منحوس، را به واکنش وا داشت، البته نه به انتقاد و تهدید، بلکه به تعریف و تمجید!

سریال ام هارون که در کشور کویت ساخته شده داستان زنی

یهودی را در دهه ۴۰، درست چند سال پیش از تشکیل رژیم منحوس صهیونیستی، روایت می‌کند که به کشورهای حوزه خلیج فارس سفر می‌کند و دست آخر در بحرین که آن موقع جزء ایران به شمار می‌رفت، ساکن می‌شود. این سریال به نحوی در جهت تحریف حضور یهودیان در منطقه پیش از تشکیل رژیم جعلی صهیونیستی برآمده و با بیان مصائب ساختگی این زن در مواجهه با مسلمانان سعی در توجیه شکل گیری این رژیم منحوس دارد. پخش این سریال در مقابل، به واکنش تند جنبش حماس و مسلمانان منطقه منجر شد.

در قسمت اول این سریال معلمی از نبرد فتح قدس، نابودی کامل رژیم صهیونیستی و فرار کردن یهودیان به کشورهای دیگر، برای دانش‌آموزان خود می‌گوید.

پیش از ام هارون نیز در همین شبکه‌ی سعودی سریالی به نام «مخرج ۷» پخش شد که در بخشی از آن گفتگویی حول تجارت اقتصادی با رژیم جعلی شکل می‌گیرد و نظرات مخالف و موافق درباره آن بیان می‌شود. گفته می‌شود این دو سریال در مسیر عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی پیش می‌روند و به هدف

به سرانجام رسیدن معامله قرن تولید شده‌اند. حال که صحنه‌ی تولید فیلم و سریال به محل تقابل دو رویکرد مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی و سازش با آن بدل گشته، این سوال به وجود می‌آید که نقش جمهوری اسلامی که ادعای ام‌القزایی را دارد چیست و در این میان چه جایگاهی دارد.

پاسخ به این سوال کمی راحت‌تر از آن است که به نظر می‌رسد. ایران، با تمام ادعای خود هیچ سهمی از تولیدات فیلم و سریال با موضوع مقاومت و فلسطین را به خود اختصاص نمی‌دهد و عملاً در

این رقابت جایگاهی ندارد. گویا فلسطین و آرمان‌هایش ده سال پیش برای فیلمسازان ایرانی به پایان رسیده است. آخرین فیلم ایرانی با موضوع فلسطین به سال ۱۳۸۹ و به فیلم «فیلادفی» باز می‌گردد و پس از آن هیچ فیلمی با این موضوع ساخته نشده است.

از مجموع تمام آثار سینمای و تلویزیونی جمهوری اسلامی ایران فقط ۱۴ فیلم سینمایی با موضوع فلسطین، مقاومت و رژیم صهیونیستی ساخته شده است. این رقم

در مورد سریال‌های تلویزیونی ساخت ایران به عدد یک می‌رسد. این در حالی است که رقم تولید سالانه‌ی فیلم‌های سینمایی جمهوری اسلامی ایران حتی از کشورهای اروپایی بالاتر است و با تولید قریب به ۲۰۰ فیلم در سال جزء فیلم‌سازترین کشورهای دنیا به شمار می‌رود.

«کوثر» ایجاد کرده، اما تا کنون به فضای تولید وارد نشده و البته نتوانسته اثرگذاری چندانی در این زمینه داشته باشد. با توجه به اثرات سریال‌های النهایه و ام‌هارون جای خالی تولیدات

این ماجرا جایی خنده‌دار می‌شود که در سال‌های اخیر تولیدات فیلم‌های سینمای مدعی ام‌القزایی جهان اسلام با موضوع تایلند، آمریکا، ترکیه، برزیل و... بیشتر از تولیدات با موضوع مقاومت و فلسطین است. سینمای ایران به جای پرداختن به سوژه‌های مقاومت و فلسطین، که از قضا بسیار قابلیت درام و داستان‌پردازی دارند، به طمع فروش گیشه به سراغ موضوعات فکاهه و بعضاً مبتذل در کشورهای غیراسلامی می‌روند.

در این میان، توقع جدی نسبت به صداوسیما ی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که به این حوزه‌ی بی‌رونق وارد شود و تولیدات تلویزیونی خود را در این زمینه افزایش دهد. البته صداوسیما با هدف

جذب مخاطب عرب زبان جهان اسلام و ارتباط‌گیری با آن‌ها چندین شبکه تلویزیونی، از جمله «آی‌فیلم» و

اختصاصی این شبکه‌ها با موضوع فلسطین و مقاومت به شدت احساس می‌شود.

این ماجرا جایی خنده‌دار می‌شود که در سال‌های اخیر تولیدات فیلم‌های سینمای مدعی ام‌القزایی جهان اسلام با موضوع تایلند، آمریکا، ترکیه، برزیل و... بیشتر از تولیدات آن با موضوع مقاومت و فلسطین است.

جمهوری اسلامی ایران در تقابل گروه‌های طرفدار مقاومت و طرفدار سازش عملاً نقش منفعلی را بازی می‌کند و فقط این تقابل را به تماشا نشسته است. جمهوری اسلامی اگر ادعای ام‌القزایی را دارد و می‌خواهد نام آن را به دوش بکشد باید با تمام توان و در تمام زمینه‌ها به میدان بیاید و خودش را اثبات کند. نمی‌شود سینمای جمهوری اسلامی دل در گروی آمریکا، تایلند، برزیل و... داشته باشد و بخواهد نام ام‌القزایی را نیز یدک بکشد. و البته جای سوال و تعجب است که با این حجم از تولیدات سینمایی و تلویزیونی و حجم بالای بودجه حاکمیتی مصرفی در این تولیدات، چرا سهم تولیدات ایدئولوژیک

گفتمان اصلی جمهوری اسلامی در مسائل بین‌المللی به صفر میل می‌کند!



ورق پاره

زهرا استکی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بشر
دانشگاه علامه

بررسی حقوقی طرح معامله قرن

و نتایج آن

آمریکا و اسرائیل در معامله قرن در مورد چیزی تصمیم گرفتند که اساسا متعلق به هیچ کدامشان نبوده و این دقیقا نقض مواد ۳۵، ۳۶ و ۳۷ کنوانسیون وین معاهدات

۱۹۶۹ است که معروف به کنوانسیون کنوانسیون هاست. این مهمترین معاهده‌ای است که در زمینه معاهدات وجود دارد، وگرنه اسناد و فکت‌هایی که این طرح را زیر سوال برد زیاد است. ممکن است در جواب بگویید این معامله بین آمریکا و اسرائیل نبوده و آمریکا میانجی‌گری کرده است.

میانجی‌گری دو شاخص مهم دارد که یکی از آن‌ها، بی طرفی است و در اینجا بی طرفی وجود ندارد. این طرح

کاملا امنیتی است و حتی کوچکترین تهدید علیه امنیت اسرائیل در این طرح به شدت محدود شده است. این نکته نشان می‌دهد آمریکا به هیچ وجه میانجی‌گر بی طرفی نیست. طبق حقوق بین‌الملل در بحث میانجی‌گری باید ابتدا پیش نویسی از درخواست‌های طرفین آن معاهده تهیه شود و شخص یا کشور میانجی‌گر در چارچوب آن پیش‌نویس

اقدام کند. این اتفاق حتی در سطح لابی‌گری با مسئولین فلسطین هم نیفتاده است، چه برسد به این که از آن‌ها پیش نویس یک متن حقوقی خواسته شده باشد. بنابراین عنوان میانجی‌گری به این حرکت آمریکا اطلاق نخواهد شد.

همه‌ی این‌ها تا پیش از تهیه‌ی این طرح است. طرحی که با شرایط فوق ارائه شده باشد قطعاً نکات خطرناک‌تری را میان متون خود جای داده است. برای مثال در متن مطرح شده در معامله‌ی قرن، حتی از عنوان «دولت» برای فلسطین استفاده نشده و آن را به رسمیت نشناخته است. حتی برای دولت خواندن فلسطین

طرح ترامپ، طبق گفته رهبری، پیش از مرگ ترامپ از بین خواهد رفت. البته این طرح از نظر حقوقی پیش از طرح آن از بین رفته است.

هم شروطی گذاشته شده. این چه دولتی است که برای عضویت در هر سازمانی باید از اسرائیل اجازه بگیرد؟ فلسطین حتی نمی‌تواند علیه جنایات رژیم صهیونیستی دعوایی طرح کند، چون اجازه آن را باید اسرائیل صادر کند. حتی رژیم صهیونیستی می‌تواند برای افراد تشکیل‌دهنده‌ی ساختار دولت فلسطین هم تعیین تکلیف کند. که به استناد همین بخش، اعضای

حماس را از حضور در ساختار دولت منع کرده و خلع سلاح کامل آن‌ها را خواستار شده. این شیر بی یال و دم چه دولتی می‌شود؟! و همین سندی بر این مدعاست که طرف فلسطینی در این طرح جایگاهی نداشته است. طرح ترامپ، طبق گفته رهبری، پیش از مرگ ترامپ از بین خواهد رفت. البته این طرح از نظر حقوقی پیش از طرح آن از بین رفته است. از آن جهت که این طرح به لحاظ حقوق بین‌الملل به قدری نادرست است و اصولی که از حقوق بین‌الملل را زیر پا گذاشته به قدری جدی هستند، که حتی لازم نیست برای بیان نقض و تعارض آن به اسناد و فکت‌های خاص حقوق بین‌الملل استناد کنیم.

مهم‌ترین محل اعراب طرح موسوم به معامله قرن، تعارض با اصل مهم حق تعیین سرنوشت است. این طرح حتی تعارض با برابری حاکمیت‌ها دارد و در واقع تعارض دارد با منع مداخله در امور دیگر دولت‌ها که بند ۷ منشور به طور کامل آن را تصریح کرده است. این بند از منشور بیان می‌دارد هیچ کشوری نباید به اموری که ذاتا در صلاحیت داخلی کشورهاست، دخالت کند. که اصلا طرح

معامله قرن به هدفی جز دخالت در امور داخلی فلسطین نوشته نشده است.

طرح موسوم به معامله قرن علاوه بر تعارض با بقیه اسناد بین‌المللی، با رویکرد کلی سازمان ملل و حتی شورای امنیت، به عنوان یکی از قدرت‌محورترین و سیاسی‌ترین ارکان سازمان ملل، هم در تعارض است. برای مثال بر خلاف قطعنامه‌های

شورای امنیت که قدس را یک منطقه کاملاً فلسطینی و تحت حاکمیت فلسطین معرفی می‌کنند، از طرف آمریکا پایتخت اسرائیل تلقی می‌شود و یا در این طرح سخنی از قطعنامه‌های شورای امنیت که غزه و کرانه باختری را تماماً فلسطینی محسوب می‌کنند و شهرک‌سازی‌ها را اشغال به حساب می‌آورد، گفته نشده است.

آمریکا و رژیم صهیونیستی با بی‌توجهی به مجمع عمومی سازمان ملل و شورای امنیت و کج‌دهنی به قطعنامه‌ها و بیانیه‌های صادر شده از سوی آنان، قصد دارد تا نقش تاریخی مجمع عمومی را ناکارآمد جلو دهد و از این طریق خواسته‌ی دیرینه‌ی آمریکا را که گذر از وضع و حقوق موجود است، تحقق بخشد. آمریکا معتقد است که ساختار سازمان ملل و حقوق بین‌الملل آن منافع خود و همپیمانانش را به حد اعلا تامین نمی‌کند. البته اگر قرار است تغییری در سازمان ملل و شورای امنیت رخ دهد باید به سمتی

برود که پا سخگو ی نیاز ملل و بشریت باشد. روند حال حاضر سازمان ملل و شورای امنیت هم پا سخگو ی نیاز جوامع نیست، چه برسد به آنکه قید

مواد و اصول ۱۰۷ و ۱۰۸ منشور که بیانگر اصول بنیادینی نظیر حق

تعیین سرنوشت، هستند هم از بیخ زده شود.

بسیاری از جوامع و دولت‌ها نیز معتقدند که باید از این وضع گذشت. اما این که چه کسانی بگذرند، از کجا بگذرند و به کجا برسند، مهمترین

سوالی است که باید به آن پاسخ داد شود. پس اگر بناست سازمان ملل تغییر کند، باید همه ملت‌ها با تمام نظرات و تفکراتشان در آن دخیل و سهم

باشند. نه اینکه آمریکا و رژیم صهیونیستی قیم‌مابانه برای همه کشورها تعیین تکلیف کنند و تمام قطعنامه‌ها و اسناد حقوق بین‌الملل را بی اعتبار کنند.

اگر می‌خواهیم در این چرخه‌ی پر سرعت گذر از وضع و نظم جهانی و حقوق بین‌الملل موجود

دخیل شویم، باید حرفی برای زدن در حوزه حقوق بین‌الملل داشته باشیم. باید اساتید حقوق ایران از چرخه‌ی

باطل ترجمه کردن دکترین غربی در حوزه حقوق بین‌الملل خارج شوند

طرح موسوم به معامله قرن علاوه بر تعارض با بقیه اسناد بین‌المللی، با رویکرد کلی سازمان ملل و حتی شورای امنیت هم در تعارض است.

و باید به طور جدی ادبیات مقاومت به عنوان یک دکترین در حقوق بین‌الملل وارد شود. در آن زمان می‌توانیم وارد این چرخه بشویم و تغییراتی را اعمال کنیم که به منافع همه کشورها به خصوص مستضعفین

تمام شود. در اینجا مطرح می‌شود که به لحاظ حقوق بین‌الملل چه مقابله‌ای و چه اقداماتی را علیه طرح معامله قرن می‌توان انجام داد. پاسخ این سوال یک کلمه است.

هیچ! این طرح به اندازه‌ای ضعیف است که عملاً به لحاظ حقوقی قابلیت و پتانسیل اجرایی ندارد؛ اما برای برخورد با این طرح نهایت کاری می‌تواند شکل بگیرد آن است فلسطین با حمایت کشورهای اسلامی و عربی و اتحاد آن‌ها قطعنامه‌ای را در محکومیت در سازمان ملل به تصویب برسانند، که البته این قطعنامه‌های مجمع عمومی الزام‌آور نیست.

• این یادداشت از مصاحبه‌ی خبرگزاری دانشجو برگرفته شده و بانویسی آن است.

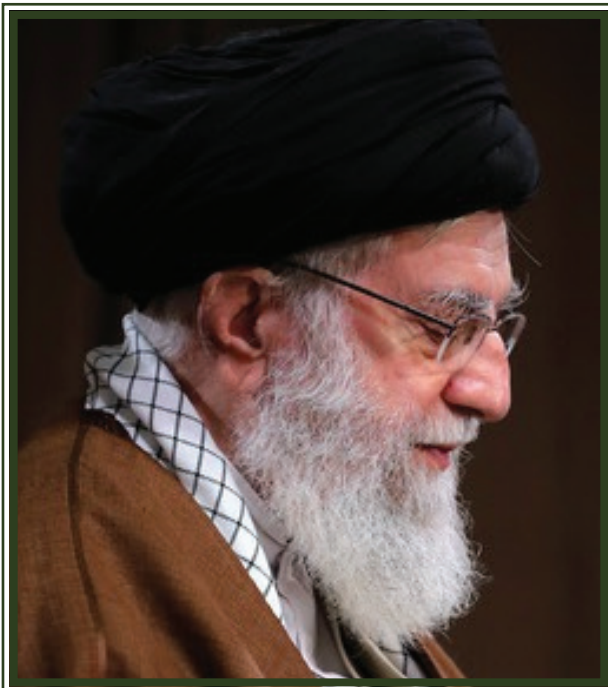
گزیده‌ای از سخنرانی تلویزیونی مقام معظم رهبری به مناسبت روز جهانی قدس

اولین سخن، یادآوری بزرگی فاجعه‌ی غصب کشور فلسطین و تشکیل غده‌ی سرطانی صهیونیستی در آن است. در میان جنایات بشری دورانهای نزدیک به زمان حاضر، هیچ جنایتی در این حجم و با این شدت وجود ندارد. غصب یک کشور و بیرون کردن مردم برای همیشه از خانه و کاشانه و سرزمین اجدادی خود، آن هم با فجیع‌ترین انواع قتل و جنایت و هلاکِ حُرث و نسل و ده‌ها سال تداوم این ستم تاریخی، حقیقتاً یک رکورد جدید از سبّیت و شیطان‌صفتی بشر است.

مبارزه برای آزادی فلسطین، جهاد فی سبیل الله و فریضه و مطلوب اسلامی است. پیروزی در چنین مبارزه‌ای تضمین شده است، زیرا فرد مبارز حتی در صورت کشته شدن هم به احدی الحُسَنین دست یافته است. بجز این، مسئله‌ی فلسطین یک مسئله‌ی انسانی

است، بیرون کردن میلیون‌ها انسان از خانه و مزرعه و محل زندگی و کسب خود، آن هم با قتل و جنایت، هر وجدان انسانی را آزرده و متأثر میکند و در صورت داشتن همت و شجاعت به مقابله وادار میسازد. پس محدود کردن آن به یک مسئله‌ی صرفاً فلسطینی و حدّاکثر عربی، خطایی فاحش است.

هر چند بهره گرفتن از هر امکان حلال و مشروع در این مبارزه مجاز است و از جمله حمایت‌های جهانی، ولی مؤکداً باید از اعتماد به دولتهای غربی و نیز مجامع جهانی ظاهراً یا



باطناً وابسته‌ی به آنها پرهیز کرد. آنها با هر موجودیت اثرگذار اسلامی دشمنند؛ آنها به حقوق انسانها و ملت‌ها بی‌اعتنا نیستند؛ آنها خود عامل بیشترین خسارت‌ها و جنایتها به امت اسلامی‌اند؛ هم اکنون کدام نهاد جهانی یا کدام قدرت جنایت‌کار پاسخگوی ترورها، قتل‌عام‌ها، جنگ‌افروزی‌ها، بمباران‌ها، و قحطی‌های مصنوعی در چندین کشور اسلامی و عربی است؟

امروز دنیا یک به یک تعداد قربانیان کرونا را در سراسر جهان می‌شمارد، اما هیچ کس نپرسیده و نمی‌پرسد قاتل و مسئول صدها هزار شهید و اسیر و مفقود در کشورهایی که آمریکا و اروپا در آن آتش جنگ را روشن کرده‌اند کیست؟ مسئول این همه خون بناحق ریخته در افغانستان، یمن، لیبی، عراق، سوریه و دیگر کشورها کیست؟ مسئول این همه جنایت و غصب و تخریب و ظلم در فلسطین کیست؟ چرا هیچ کس این میلیون‌ها کودک و زن و مرد مظلوم در جهان اسلام را شمارش نکرد؟ چرا کسی قتل‌عام شدن مسلمانان را تسلیت نمی‌گوید؟

۲ خرداد ۱۳۹۹

نشریه مستقل دانشجویی زیتون

ما را در شبکه های اجتماعی دنبال کنید:



@zeytoonaut

دانشگاه صنعتی امیرکبیر

شماره ۴

خرداد ۱۳۹۹

صاحب امتیاز، مدیرمسئول و سردبیر: طوبی بوعلی